

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۶/۱۳۹۹

تاریخ تصویب: ۰۳/۱۲/۱۳۹۹

صفحات: ۲۱۱-۱۸۱

نقد و بررسی دکترین ام‌القری محمدجواد لاریجانی

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

محمد رضا رشید کردستانی

دانشجوی دکتری رشته روابط بین الملل، گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

علیرضا از غندی*

استاد علوم سیاسی، گروه روابط بین الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

موضوع این مقاله بررسی و نقد دکترین ام‌القرای محمد جواد لاریجانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اساس رویکرد سازه انگارانه‌ی الکساندر ونت در کتاب "نظریه‌ی اجتماعی سیاست بین الملل" است. پرسش اصلی مقاله چستی دکترین ام‌القری و چگونگی تکوین هویت سیاست خارجی از دیدگاه لاریجانی است و فرضیه‌ی پژوهش مدعی است که دکترین ام‌القری بازتاب تأثیرات ساختاری (به ویژه ساختارهای بین ذهنی) بر خصوصیات کارگزار (به ویژه هویت آن) در سال‌های ۱۳۶۳ به بعد است. روش پژوهش نیز "مقایسه‌ای" (مبتنی بر رویکردهای کمی و کیفی) در نظر گرفته شده است. برای بررسی دکترین ایده‌پرداز اصلی و آثار او معرفی شده زمینه‌های داخلی منطقه‌ای و بین‌المللی شکل‌گیری ایده طرح شده آنگاه مفروضات حاکم بر ایده گزاره‌ها و مفاهیم اصلی در معنایی که لاریجانی به کار برده معرفی شده‌اند. در نقد نظریه ابتدا سلسله مراتب هویتی در دکترین و سپس قابلیت‌های دکترین از حیث ظرفیت‌سازی و انطباق‌گرایی بررسی شده آنگاه میزان کارایی دکترین در تفسیر کنش سیاست خارجی مبتنی بر رویداد "ایران - کنترا" ارزیابی شده است. از جمله یافته‌های پژوهش طرح مدعای "ماهیت پسینی و توجیه کننده" نظریه‌های مطرح در سیاست خارجی جمهوری اسلامی از جمله در دکترین ام‌القراست. دومین یافته‌ی این مقاله ارایه‌ی نگرشی تازه از دکترین لاریجانی مبتنی بر قابل پذیرش کردن مفروضات سیاست قدرت مستتر در دکترین او با استفاده از مفاهیم و آموزه‌های اسلامی است. واژگان کلیدی: دکترین ام‌القری. محمد جواد لاریجانی. سازه انگاری مدرن. الکساندر ونت. سیاست خارجی جمهوری اسلامی. تأثیرات ساختاری. هویت کارگزار.

* نویسنده مسئول مکاتبات: alirezaazghandi@yahoo.com

مقدمه

در سیاست خارجی ج.ا.ا. از مفهوم «نظریه^۱ برداشتی موسع صورت گرفته و انواع «دیدگاه‌ها^۲»، «طرح‌ها^۳»، «آموزه‌ها^۴»، «راهبردها^۵» و «گفتمان‌ها^۶» را در بر می‌گیرد. تمامی آن‌ها از چارچوب‌های متعارف یک نظریه علمی برخوردار نیستند؛ ولی به واسطه‌ی پیگیری آن‌ها توسط مراجع علمی یا سیاسی، استفاده و ارجاع مکرر به آن‌ها توسط نخبگان ابزاری و فکری و ایجاد چالش‌های نظری و برخاستن امواج فکری پیرامون موضوعات مورد بحث این دیدگاه‌ها در زمره‌ی نظریه مورد بحث قرار می‌گیرند.

دکترین (تئوری) ام القری که توسط محمد جواد لاریجانی مطرح شده نیز در شمار همین نظریه‌ها قرار می‌گیرد. با توجه به رویکرد هویتی-تمدنی لاریجانی در معرفی این دکترین، می‌توان آن را در شمار نظریه‌های تمدنی سیاست خارجی جمهوری اسلامی صورت‌بندی و در کنار «تذوق انقلاب»، «ایده‌ی گفتگوی تمدن‌ها»، «دیدگاه حوزه‌ی تمدن ایرانی» و ... قرار داد.

این دیدگاه‌ها البته در چارچوب گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی هم مورد بحث قرار می‌گیرند اما بدلائیل چند از جمله عدم پای‌بندی به لوازم و چارچوب‌های تحلیل گفتمانی، معمولاً با دیدگاه‌های موازی یا رقیب خود خلط شده و به ویژگی‌های هر یک از آن‌ها توجه کافی نمی‌شود.

در این مقاله پرسش اصلی چیستی «دکترین ام‌القری» است. در چارچوب این پرسش اصلی محیط سیاست خارجی در دوره‌ی طرح آن مورد بررسی قرار می‌گیرد مفروضات و گزاره‌های اصلی آن استخراج می‌شود، مفاهیم به کار رفته در هر گزاره بر اساس رویکرد واضح نظریه تعریف می‌شود و با توجه به رویکرد تمدنی آن، سلسله مراتب هویتی و نقش هویت اسلامی در آن مشخص می‌شود و قابلیت‌های تبیینی آن مورد سنجش قرار می‌گیرد.

پرسش دوم در این مقاله، به «چگونگی تکوین هویت سیاست خارجی» در این مقطع زمانی مربوط می‌شود. چگونه ساختارها به ویژه ساختارهای تعاملی (خرد)، هویت کارگزار (جمهوری اسلامی) را مشروط می‌کند؟ این برسازی هویت چگونه خود را در چارچوب یک نظریه (دکترین ام‌القری)- بازتاب می‌دهد؟

1 - Theory
2 - Opinions
3 - Schemes
4 - Doctrines
5 - Strategies
6 - Discourses

_____ نقد و بررسی دکترین ام‌القری محمدجواد لاریجانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی.. ♦
دکترین ام‌القری به ویژه تحت تاثیر بازتاب عملیات نظامی ایران در خاک عراق (موسوم به عملیات رمضان) و آثار آن بر موازنه‌ی قدرت ایران با عراق و سایر کشورهای منطقه و نیز قدرت‌های بین‌المللی، قرار دارد. و در واقع یک چارچوب برون رفت از آثار منفی ناشی از تز صدور انقلاب در سیاست خارجی ایران، ارائه می‌دهد. و به همین دلیل پژوهشگر، دکترین ام‌القری را نه در ادامه‌ی تز صدور انقلاب، بلکه دکترین جایگزین آن می‌داند. البته هر دو این دیدگاه‌ها در تأکید بر هویت اسلامی به ویژه اسلام در بعد فراملی (تمدنی) آن کم و بیش مشابهند. اما تلقی آن‌ها از ساختار تمدنی، نحوه‌ی برسازی مسائل درون تمدنی و برون تمدنی، رابطه‌ی ایران، به عنوان یک دولت ملی با ایران به عنوان کانون تمدن نوین اسلامی، نحوه تقابل با «دیگری» و نسبت بین «هنجارهای داخلی» و «هنجارهای بین‌المللی» و سایر موضوعات برسانانه سیاست خارجی پیرامون آن، با هم اختلاف دارند؛ و بررسی همین تفاوت‌ها و نحوه برسازی هویتی در آنها از دید پژوهشگر موضوعی قابل توجه و اهمیت برای بررسی است. فرضیه‌های پژوهش در این مقاله عبارتند از:

الف) دکترین ام‌القری بازتاب تأثیرات ساختاری (به ویژه تاثیر ساختارهای بنیاد ذهنی) بر خصوصیات کارگزار (به ویژه هویت آن) در مقطع سال‌های ۱۳۶۳ به بعد است.
ب) دکترین ام‌القری، نقشی پسینی - توجیه کننده برای کنش سیاست خارجی ایران دارد.

پیشینه‌ی پژوهش

چنان که گفته شد، نظریه پردازی پیرامون سیاست خارجی ج.ا.ا. به ویژه در داخل کشور، کمتر ماهیت علمی و آکادمیک داشته و بیشتر بیان دیدگاه‌های دست اندکاران سیاست خارجی درباره‌ی محیط پیوسته در حال تغییر بین‌المللی و نحوه‌ی تعامل با آن بوده است. اولین تلاش‌های نظری در این ارتباط به ارائه‌ی سخنرانی‌های علمی درباره‌ی ابعاد مختلف سیاست خارجی باز می‌گردد. (ن.ک. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی: ۱۳۶۴) که توسط وزیر خارجه‌ی وقت و شماری از معاونین او ایراد و سپس به صورت مکتوب انتشار یافته است. لاریجانی در همین سخنرانی‌ها مفهوم ام‌القری را مطرح می‌کند. (همان: ۱۱۶)
در ادامه، همین کارگزاران به طور جداگانه دست به کار تدوین کتاب‌هایی درباره‌ی سیاست خارجی ج.ا.ا. شدند. از جمله جواد منصوری در کتاب خود با تأکید بر ضرورت بحث سیاست خارجی در سال‌های اول پس از پیروزی به اهمیت نقش مرز در مسائل داخلی و خارجی، عدم مداخله در امور داخلی کشورها و تعهد به پیمان‌ها و قراردادهای می‌پردازد که همگی در چارچوب یک برداشت عرفی از سیاست خارجی می‌گنجد. در عین حال او با بیان مسائل مربوط به وحدت مسلمانان، اصول اسلامی حاکم بر سیاست خارجی، صدور انقلاب و حمایت از مستضعفین،

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
رویکردی ایدئولوژیک نیز بر می‌گزیند. در واقع اکثر آثار منتشر شده در این سال‌ها از چنین ماهیتی برخوردار است. (ن.ک.منصوری، ۱۳۶۵)

نمونه‌ی دیگر از همین دست، اثر دکتر بیژن ایزدی است که با بیان موارد مشابهی با کار منصوری، مسأله مرز مسئولیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را برای اولین بار مطرح می‌کند. او در ذیل این عنوان چهار نظریه عملگرایی در قالب اسلام، تز حکومت عملی اسلام، ام‌القری و انجام تکالیف الهی بدون عنایت به عواقب بلند مدت آن را مطرح می‌کند. (ایزدی، ۱۳۷۱) لاریجانی معتقد است، دکترین ام‌القرای او در نقد تز حکومت عملی اسلام مطرح شده (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۴۵)

در سال‌های بعد، متون مربوط به سیاست خارجی ایران به تعداد بیشتر و با دقت افزون‌تر منتشر شد. به عنوان نمونه. بخشایشی اردستانی در کتاب خود بدون اشاره به نظریه‌های سیاست خارجی، آنرا در قالب دوره‌های تاریخی صورت‌بندی می‌کند از جمله سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ را تحت عنوان «دوران رادیکالیسم» مورد بررسی قرار می‌دهد. (بخشایشی اردستانی، ۱۳۷۵)

روح اله رمضانی به عنوان معروف‌ترین نظریه پرداز سیاست خارجی ایران مقیم خارج از کشور، سیاست خارجی کشورمان را در چارچوب جوامع در حال نوسازی مورد بررسی قرار داده و به طور خاص سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵ را سال‌های رویارویی آرمان‌گرایانه می‌داند (رمضانی: ۱۳۸۰)

شمار زیادی از پژوهشگران دانشگاهی به ویژه از دهه هشتاد شمسی با گرایش به رویکرد گفتمانی به تحلیل و بررسی سیاست خارجی ایران پرداخته‌اند. (برای نمونه نگاه کنید به: ازغندی: ۱۳۸۱، تاجیک: ۱۳۸۳، دهقانی فیروزآبادی: ۱۳۸۴، ادیب‌زاده: ۱۳۸۷، متقی و پوستین‌چی: ۱۳۹۰). این نویسندگان برای بررسی سیاست خارجی به دوره‌های گفتمانی منطبق بر یک مقطع زمانی مشخص تأکید دارند و برای هر دوره به سلیقه خود نامی را برگزیده‌اند. در تمام این آثار از رهیافت گفتمانی به صورت حداقلی استفاده شده و کمتر به ظرفیت‌های نظریه گفتمان توجهی شده و نویسندگان غالباً برای یکپارچه کردن دیدگاه‌های متفاوتی که در یک دوره تاریخی خاص مطرح شده و نیز خلاصی از تناقض‌های بین آن‌ها از مفهوم گفتمان بهره برده‌اند.

پرداختن به مفهوم «ام‌القری» به عنوان یک تز (یا نظریه) چنان که گفته شد از سال ۱۳۶۳ توسط محمد جواد لاریجانی آغاز شد و در خلال سال‌های بعد، زوایا و جزئیات آن روشن‌تر شد. او در سال ۱۳۶۹ در کتاب مقولاتی در استراتژی ملی، ارکان تئوری ام‌القری و دکترین دفاع مؤثر را به عنوان ارکان استراتژی ملی. جمهوری اسلامی، به گونه‌ای دقیق مورد بررسی قرار داد. (نگاه کنید لاریجانی: ۱۳۶۹: ۴۳-۷۰) و در آثار بعدی خود به توسعه‌ی این دیدگاه پرداخت.

_____ نقد و بررسی دکترین ام‌القری محمدجواد لاریجانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی.. ♦
لاریجانی، در کتاب «نظم بازی گونه»، ضمن ارائه برداشت خود از مختصات عصر حاضر، تلقی خود را از ماهیت «بازی جهانی» براساس یک نظم «بازی گونه» ارائه می‌دهد که براساس آن، در اوضاع بین‌المللی یک دوره ی بی‌نظمی پیدا شده است و در آن هم استراتژی بازیگران و هم منطق بازی جهانی تغییر یافته است. و نتیجه می‌گیرد که لازمه‌ی زیست در چنین شرایطی وجود یک حکومت مشروع و کارآمد است که نشانه‌ی کارآمدی آن، برنامه دار بودن و داشتن استراتژی ملی است. (لاریجانی: ۱۳۷۱: ۶۵-۷۲)

او در ادامه با ارائه تلقی‌ای از هویت ملی، اسلام را پایه و ریشه‌ی آن دانسته و اهداف مشروع حکومت را در چارچوب و بر مبنای اسلام [«منطق ولایت اسلامی»] تعریف می‌کند. (همان: ۷۲). و بر همین پایه نتیجه می‌گیرد که، ما [ایران اسلامی] باید در صحنه جهانی رفتار «جهان اسلامی» را به وجود بیاوریم و رفتاری دسته جمعی براساس «اسلام» ارائه دهیم. (همان: ۷۷)
لاریجانی در کتاب دیگر خود مفاهیم مشروعیت و کارآمدی را بسط می‌دهد (لاریجانی، ۱۳۷۳). مشروعیت را ناشی از «صلاحیت» ولی می‌داند و نه قانون. «ولی» را فوق قانون دانسته و رأی مردم را صرفاً در حوزه‌ی کارآمدی نظام صائب می‌داند و نه مشروعیت آن. (همان: ۳۸).
لاریجانی در مقاله‌ای با عنوان «تمدن نوین براساس عقلانیت اسلامی»، برای اولین بار مدعی فراهم بودن زمینه‌های ظهور یک تمدن اسلامی است. (ن.ک. لاریجانی: ۱۳۷۶: ۱۸۳-۱۹۸) او معتقد است که تمدن‌ها را «عمومی شدن عقلانیت‌ها» می‌سازند. (همان: ۱۸۴)
عقلانیت غربی که عقلانیت لیبرال یا عقلانیت فنی است در جهان امروز حاکم است و عقلانیت فرامردن در نقد آن و از دل آن در حال زایش است. عقلانیت اسلامی نیز از نیمه دوم قرن بیستم به ویژه با انقلاب ۵۷ در ایران با ویژگی‌های منحصر به فرد خود در حال سر بر آوردن است و برای تبدیل آن به تمدن اسلامی نیازمند عمومی شدن است. (همان: ۱۹۷).
لاریجانی رویکرد تمدنی و مفهوم «عقلانیت اسلامی» را به ویژه در حوزه‌ی سیاست خارجی پی می‌گیرد و توصیه می‌کند: «... بر اهل فکر و اهل علم امت است که ساختار نظری این عقلانیت را به طور مداوم توسعه دهند و بر شاخ و برگ آن بیافزایند. از سوی دیگر اهل تبلیغ، رسانه‌ها و روشنفکران باید این عقلانیت را از ساختار نظری آن پائین کشیده و به میان توده‌ها ببرند و مقبولیت عامه آن را دامن بزنند... [و در چنین شرایطی است که] ساختارهای مدنی براساس عقل اسلامی فرصت رشد پیدا می‌کنند و تمدن اسلامی به ثمر می‌نشیند.» (لاریجانی، ۱۳۷۷: ۲۶۶)

چارچوب نظری پژوهش

آن چه از بیشتر آثار مربوط به بررسی نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی، بدست می‌آید،

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
اتکای آن‌ها به دو رویکرد تحلیلی است. نخست رویکرد واقع‌گرایی به ویژه واقع‌گرایی کلاسیک^۱ که در آن به مفاهیمی مثل «مرز»، «حاکمیت ملی»، «منافع ملی»، «مؤلفه‌های قدرت ملی» و ... اشاره می‌شود و دوم و در اکثر موارد رویکرد تحلیل گفتمانی^۲.
رویکرد واقع‌گرایی با توجه به ماهیت آرمانی انقلاب اسلامی، ظرفیت لازم را برای بررسی جنبه‌های هویتی منحصر به فرد جمهوری اسلامی از جمله هویت تمدنی آن ندارد و از این رو اکثر پژوهندگان دانشگاهی به سمت استفاده از رویکرد تحلیل گفتمانی متمایل شده‌اند.
این رهیافت بر چگونگی تولید و سامان یافتن تمایزات و کنش‌های گفتمانی و انکار نقش هر گونه عامل طبیعی و نیز عنصر و کارگزار اجتماعی از قبل موجود در شکل‌گیری و تعریف هویت‌ها تأکید دارد.

ایراد عمده اتخاذ چنین رویکردی، ماهیت متزلزل و موقتی گفتمان‌هاست. «لاکلاو با ارائه مفهوم «از جاشدگی» می‌کوشد نشان دهد که هویت به دلیل وجود تضاد و وابستگی آن به «غیر» ماهیتی متزلزل دارد. (Laclau, 1990: 41-43)

ایراد دیگر که توسط الکساندر ونت مطرح شده، عدم توجه به آثار مادی پدیده و عدم توانایی گفتمان برای تحلیل آن است. به عبارت دیگر طرفداران رویکرد گفتمانی ابژه را نه براساس آن چه که هست بلکه بر اساس رابطه‌ی آن در یک ساختار تعریف می‌کنند. به عبارت دیگر ارجاع به جهان مادی عملاً کنار گذاشته می‌شود، و ما می‌مانیم و «تفاوت» در درون زبان، همین و بس». (ونت، ۱۳۸۴: ۸۱)

هوارث با طرح مسأله‌ی «انسداد» به سیال و پراکنده بودن معنا در چارچوب ساختارها و صورت‌بندی‌های گفتمانی اشاره می‌کند و با طرح مسأله «نسبی‌گرایی» بر این باور است که فقدان هر گونه حقیقت زیرین و غیرقابل تغییر که بتواند عینی بودن دانش و باورهای ما را تضمین کند از جمله دیگر ایرادات رویکرد گفتمانی است. (هوارث در مارش و استوکر):
در رقابت با رویکرد تحلیل گفتمان، سازه‌نگاری^۳ به عنوان راهی میانه بین رویکردهای عقلانی و تفسیری، ضمن توجه به جنبه‌های معنایی (ذهنی - تفسیری) پدیده‌ها به آثار مادی پدیده‌های اجتماعی نیز توجه دارد و از این رو گام مهمی در تحلیل مباحث هویتی بر می‌دارد.
بحث درباره‌ی این که کدام نوع از سه‌گرایش اصلی سازه‌نگاری، قابلیت بیشتری برای پرداختن به مسأله سیاست خارجی دارد بسیار طولانی است. زیفوس از هر سه‌گرایش اونیف کراتوچویل و ونت در تحلیل مداخله‌ی نظامی آلمان در خارج از مرزهای خود استفاده می‌برد.

¹ - classical Realism

² - Discourse analysis approach

³ - constructivism

_____ نقد و بررسی دکترین ام‌القری محمدجواد لاریجانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی.. ♦
(Zehfuss: 2002)

استیو اسمیت در مجموعه مقالاتی که کوبالکوا آن را جمع‌آوری کرده، قابلیت‌ناچیزی برای رویکرد سازه‌انگاران‌ی و نت‌قابل است چرا که نت هیچ نقشی برای عوامل داخلی موثر بر رفتار سیاست خارجی دولت‌ها در نظر نمی‌گیرد (اسمیت در کوبالکوا؛ ۱۳۹۲: ۷۵) و دامنه و فضای ناچیزی برای تحلیل سیاست خارجی عرضه می‌کند. او رویکرد سازه‌انگاران‌ی اونف را به دلیل تأکیدش بر نقش عوامل داخلی و نیز زبان، قواعد و انتخاب‌های بازیگران دولتی، واجد قابلیت‌های بیشتری برای تحلیل سیاست خارجی ارزیابی می‌کند (همان: ۷۹) معذالک در همین کتاب نمونه‌های تجربی مطالعه سیاست خارجی کشورها براساس رویکرد ونت نیز ارائه شده است. (نگاه کنید: کوبالکوا، ۱۳۹۲: فصول پنجم تا هفتم).

کاربرد رویکرد ونت برای تحلیل تأثیر ساختارهای بنیاد ذهنی بر خصوصیات (هویت و منافع) جمهوری اسلامی، در این پژوهش در واقع چالشی فرا روی پژوهشگر برای نشان دادن ظرفیت‌های این نوع از سازه‌انگاری در تحلیل سیاست خارجی است.

ونت در تحلیل خود پیرامون شکل‌گیری و تغییر هویت‌ها، و در چارچوب مناظره‌ی ساختار-کارگزار^۱ جانب «تعامل» بین ساختار و کارگزار را با اولویت به تأثیرات ساختاری می‌گیرد. او نقش دولت را در تحلیل خود مفروض می‌گیرد ولی آن را کنار می‌گذارد. برای دولت، «خصوصیات»^۲ و رفتار^۳ قابل است. خصوصیات و ویژگی‌های دولت شامل «هویت»^۴ و «منافع»^۵ دولت است. که تحت تأثیر متقابل با ساختارها تکوین می‌یابند. همین رابطه تکوینی بین خصوصیات و رفتار کنش‌گر دولتی برقرار است.

ونت سه نوع ساختار^۶ - عینی^۷، ذهنی^۸ و بینا ذهنی^۹ - و دو سطح ساختار - خرد یا کلان - را شناسایی می‌کند و معتقد به دو نوع رابطه‌ی علی^{۱۰} و تکوینی^{۱۱} بین ساختار و کارگزار است. (رجوع کنید نمودار ۱)

نقطه‌ی شروع مناسب برای تحلیل سیاست خارجی، شناسایی ساختارهای سطح خرد و سپس تأثیر تکوینی آن بر خصوصیات کارگزار به ویژه بر هویت آن است. تحلیل می‌تواند به رابطه‌ی

1 - Agent-Structure Debate

2 - Characteristics

3 - Behavior

4 - identity

5 - Interests

6 - Structure

7 - Objective

8 - Subjective

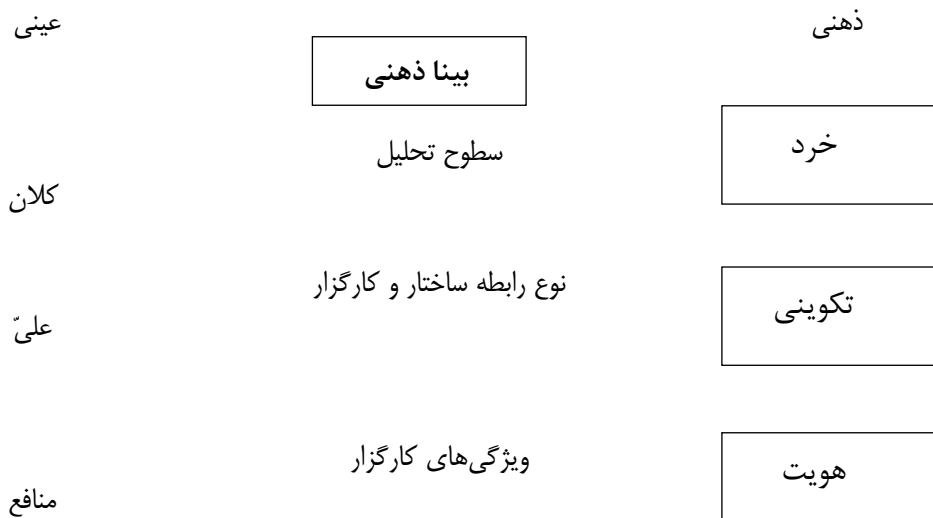
9 - inter subjective

10 - Causal

11 - Constitutive

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
 تکوینی بین ساختارهای خرد و کلان نیز تسری یابد. ولی تا پیش از آن چارچوبی برای مطالعه‌ی
 نحوه‌ی برسازی هویت کارگزار فراهم آمده است.

رویکرد ونت در مطالعه‌ی سیاست بین الملل (سیاست خارجی؟) ساختارها



نمودار شماره (۱)

مشکل عمده در این خط تحلیلی، شروع تحلیل از ساختارهاست و نه کارگزار، چنین تحلیلی که برون‌زا است ربطی به سیاست خارجی پیدا نمی‌کند و در چارچوب سیاست بین‌الملل طرح می‌شود.

ونت خود در مقام پاسخ، تمایز بین داخلی و خارجی و سیاست خارجی و بین الملل را یک «برساخته»^۱ می‌داند، که می‌تواند به گونه‌ی دیگری هم برساخته شود. ثانیاً برسازی هویت در فضای تعامل بین ساختار و کارگزار صورت می‌گیرد و با وام گرفتن از مفهوم ساختاربندی گیدنز می‌توان ادعا کرد که ساختار در عین حال واجد جنبه‌های کارگزارانه نیز هست و بالعکس. مثال قابل درک برای این مفهوم هویت یک سکه‌ی در حال چرخش است. شیر یا خط؟ پاسخ آن

¹ - Construct

_____ نقد و بررسی دکترین ام‌القری محمدجواد لاریجانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی.. ♦
است که در هر لحظه یک موقعیت تحت تاثیر وجه مقابل خود نیز قرار دارد. یعنی هم شیر و هم
خط. هم ساختار و هم کارگزار. به بیان دقیق تر تحلیل گرچه با ساختار آغاز می‌شود ولی در آن
سطح باقی نمی‌ماند.

اهمیت چنین تحلیلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، به ویژه در شرایطی که بیشتر
کنش‌ها تحت تاثیر متغیر نظام، تکوین می‌یابند، خود را نشان می‌دهد.
چنان که گفته شد، نقطه‌ی اصلی تمرکز در تحلیل، شکل‌گیری هویت و مدیریت تغییر آن
است. کوبالکوا هویت را چیزی می‌داند که انسان‌ها می‌خواهند باشند و چیزی است که
«دگرها»^۱ نیستند. (کوبالکوا، ۱۳۹۲: ۵۳)

دولت‌ها، «دیگری» را دشمن، رقیب یا شریک بر می‌سازند و سپس هویت خود را بر مبنای
هویت دگر تعریف می‌کنند. به عبارت دیگر براساس انتظارات و پیش‌بینی هویت «دیگری» ابتدا
هویت دولت و سپس کنش دولت بر اساس آن شکل می‌گیرد (همان).

ونت با بیان مفهوم «سلسله مراتب هویتی»، مطالعه درباره‌ی هویت کنش‌گر- دولت- را
دقیق‌تر می‌کند. او بر این باور است که کنش‌گران در هر لحظه واجد لایه‌های هویتی متعددی
هستند که با یکدیگر در تعارض به سر می‌برند و کنش‌گر در هر لحظه و براساس نوع تهدیدی
که علیه هویت صورت می‌گیرد خود را بازسازی می‌کند. به بیان دقیق‌تر لایه‌ای که بیشتر مورد
تهدید قرار گرفته برجسته می‌شود. بین لایه‌ها، گزینش و انتخاب صورت می‌گیرد. این گزینش
در واقع شکل دهنده‌ی سلسله مراتب هویتی در کنش‌گران خواهد بود. (ونت؛ همان: ۳۳۵-
۳۳۸)

در رابطه با مدیریت تغییر هویت می‌توان یک چارچوب تحلیلی را براساس توضیحات ونت
استخراج نمود.

به این ترتیب که دولت‌ها (کارگزاران) با اندیشه‌ی «شناساندن»^۲ خود (تلاش برای شناسایی)
رویکردی خاص گرایانه و تمایز طلبانه اتخاذ می‌کنند. و براین اساس به ساخت «دیگری» و
«خود» براساس میزانی از ناسازگاری می‌پردازند. نتیجه هویت (الف) برای دولت خواهد بود که
به ترتیب منافع (الف) و آن نیز به نوبه خود، کنش (الف) را سامان می‌دهد. تلاش برای
خاص‌گرایی در اینجا کنشی غیرهنجارمند- مغایر با هنجارهای سطح نظام- تلقی می‌شود و آثار
مادی، ذهنی و بیناذهنی برجای می‌گذارد که از آن می‌توان به عنوان مشکلات بر سر راه
سیاست خارجی نام برد. بروز این مشکلات سوال اصلی را فراروی کارگزار قرار می‌دهد که
عبارت است از: «چگونه باید با دیگران برخورد کنیم؟»، به گونه‌ای که «از مشکلات و

¹ - Others

² - Recognition

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
چالش‌های فرارو کاسته شود؟». تلاش برای یافتن پاسخ این سوال، کنش‌گر را به سمت ساخت «هویت جمعی»^۱ باز می‌راند. نتیجه ساخت خود و دیگری و به عبارت دیگر «بازنمایی» خود و دیگری براساس میزانی از سازگاری است که هویت (ب) را می‌آفریند. هویت (ب)، منافع (ب) و آن نیز به نوبه‌ی خود کنش (ب) را رقم می‌زند. «عام‌گرایی» در این جا به عنوان کنش هنجارمند تلقی شده در نتیجه از سایش و فرسایش کارگزار در رابطه با ساختار، کاسته می‌شود. بازتاب این تغییرات و نحوه‌ی بازنمایی‌ها در دیدگاه‌های نظری پیرامون سیاست خارجی ج.ا.ا. از جمله در دکتترین ام القرا می‌تواند خود را به نمایش بگذارد.

مدل نظری پژوهش

برای تفسیر مساله‌ی شکل‌گیری و تغییر هویت، دکتترین حفظ ام‌القرا محمدجواد لاریجانی به عنوان بازتاب نظری و واقعه‌ی مذاکرات مخفی ایران و امریکا موسوم به ماجرای ایران - کنترا به عنوان بازتاب عملی در نظر گرفته شده و براساس منطق ارائه شده در بخش پیشین به ترتیب مراحل زیر در تفسیر رویداد پی گرفته خواهد شد.

الف) شناسایی ساختارهای بینا ذهنی در روابط ایران و ایالات متحده که منجر به شکل‌گیری فرهنگ مبتنی بر دشمنی در روابط دو کشور پس از اشغال سفارت امریکا در تهران و در راستای «تلاش برای شناسایی» هویت (الف) شد.

ب) تفکیک ساختارهای تعاملی تصادفی و ارادی و بررسی اهمیت هر یک از آن‌ها در ساختار موجود.

ج) تفکیک روابط علیّ و تکوینی ساختار و کارگزار و بررسی میزان تاثیرگذاری ساختارهای بینا ذهنی در آن.

د) شناسایی نحوه‌ی بازنمایی خود و دیگری از طریق شناسایی لایه‌های هویتی که بیشتر مورد تهدید قرار گرفته و آنگاه شناسایی سلسله مراتب هویتی جدید و سپس بررسی نوع روابط بین لایه‌های هویت.

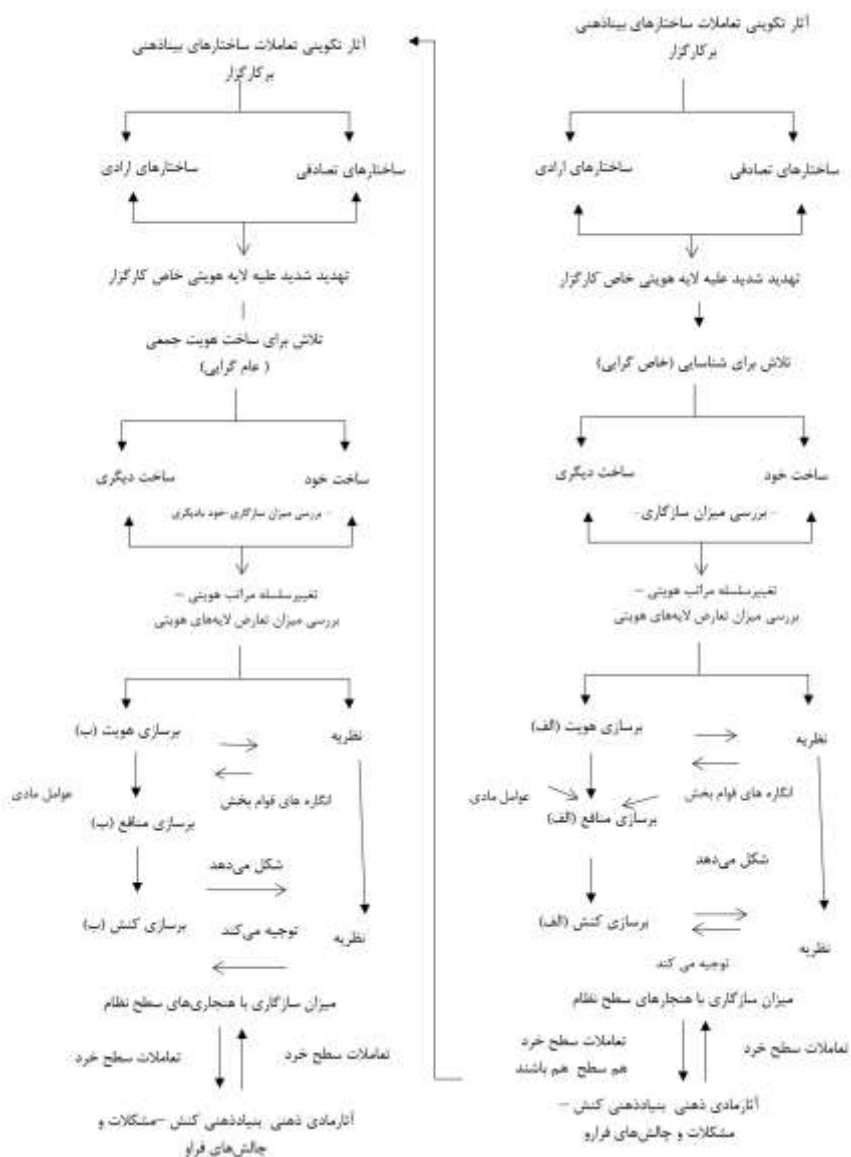
ه) شناسایی انگاره‌های قوام بخش و عوامل مادی شکل دهنده به منافع (و) شناسایی کنش حاصل از هویت (الف) و بررسی تناسب هنجارهای حاکم بر رفتار با هنجارهای بین‌المللی.

و) شناسایی آثار مادی ناشی از کنش (الف)
... بعد از طی مراحل فوق عیناً همین مراحل درباره‌ی تلاش کارگزار برای ساخت «هویت

¹ - Social identity

_____ نقد و بررسی دکترین ام‌القری محمدجواد لاریجانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی.. ❖
 جمعی» طی خواهد شد. خلاصه‌ی مدل نظری پژوهش در نمودار شماره (۲) خلاصه شده است.

مدل نظری پژوهش مدیریت تغییر هویت (چگونه با دیگران برخورد کنیم؟)



داده‌های پژوهش

۱- ایده پرداز اصلی و جایگاه او در سپهر سیاست خارجی ایران:

اولین بار استفاده از مفهوم «ام القری» به عنوان یک دکترین در سیاست خارجی ایران، در جریان یک سمینار علمی و از سوی محمدجواد لاریجانی در مدرسه عالی شهید مطهری مطرح شد و البته بعدها به وسیله‌ی محققین مختلفی از زوایای گوناگون به آن پرداخته شد.

محمدجواد اردشیر لاریجانی متولد ۱۳۳۰ در نجف و بزرگترین فرزند از جمع پنج فرزند ذکور آیت‌الله میرزا هاشم آملی از روحانیون برجسته شیعه و از شاگردان علامه‌ی نائینی است. محمدجواد لاریجانی همچنین خواهرزاده‌ی علامه حسن حسن‌زاده آملی است. او دارای ۶ فرزند (۴ پسر و ۲ دختر است).

تحصیلات خود را در حوزه علمیه فراتر از سطح، دنبال کرد و تحصیلات دانشگاهی را ابتدا در رشته‌ی مهندسی برق (الکترونیک) در دانشگاه صنعتی شریف پی گرفت و سپس دکتری ریاضیات را از دانشگاه برکلی ایالات متحده اخذ کرد. او به تدریس ریاضیات، فلسفه و منطق ریاضی در دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشگاه صنعتی شریف پرداخته و همچنین تدریس اندیشه‌ی سیاسی و سیاست خارجی را در دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، دانشگاه امام صادق و مدرسه عالی شهید مطهری در کارنامه‌ی خود دارد.

سوابق اجرایی لاریجانی بعد از طی دوره‌ی کوتاه سرپرستی صداوسیما در تیر و مرداد ۶۲ بیشتر معطوف به فعالیت دیپلماتیک در وزارت امور خارجه است. او در تأسیس دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات (بعدها پژوهشگاه دانش‌های بنیادی) سهم عمده‌ای داشت و اینک رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی است. در وزارت امور خارجه تا مقام معاونت امور بین‌الملل آن وزارتخانه پیش رفت و مسئول مذاکرات ایران درباره قطعنامه ۵۹۸ بود ولی بدلیل اختلاف سلیقه با علی اکبر ولایتی مسئول وقت وزارتخارجه از سمت خود کنار گذاشته شد. در دوره‌ی چهارم و پنجم مجلس نماینده آن و مسئول کمیسیون سیاست خارجی و رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس پنجم بود. او حامل پیام تاریخی امام برای گورپاچف آخرین رئیس اتحاد جماهیر شوروی سابق بود.

در سال ۷۵ بدنبال یک سفر غیررسمی به انگلستان با نیکلاس براون معاون وقت وزارتخارجه انگلیس به مذاکره پرداخت. محور مذاکرات آن دو ارزیابی وضعیت ایران در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ و نیز بررسی وضعیت روابط دو جانبه ایران و انگلیس و ایران و اتحادیه اروپایی بود. کمی پس از انجام این مذاکرات متن برگزیده‌ی مذاکرات آن‌ها توسط جناح سیاسی رقیب در روزنامه سلام منتشر و از آن به عنوان درز اطلاعات، مغایرت با منافع ملی

_____ نقد و بررسی دکترین ام‌القری محمدجواد لاریجانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی.. ♦
و جلب نظر دولت خارجی به یک جریان سیاسی نام برده شد. گر چه لاریجانی بعدها متن مذاکرات لندن را منتشر و درباره آن توضیح داد (لاریجانی، ۱۳۷۶) ولی این امر به عنوان یک اهرم تبلیغاتی مهم علیه جناح اصول‌گرا و کاندیدای آن برای ریاست جمهوری - احمد ناطق نوری - مورد استفاده جناح چپ حاکمیت قرار گرفت.
لاریجانی بعدها به عنوان معاون امور بین‌الملل و رئیس ستاد حقوق بشر قوه قضائیه منصوب شد و از مواضع ایران در مجامع بین‌المللی حقوق بشر دفاع کرد. او تا سال گذشته در این سمت قرار داشت.

۲- محیط منطقه‌ای و بین‌المللی

بعد از انجام موفقیت‌آمیز عملیات بیت‌المقدس - بازپس‌گیری خرمشهر - در خرداد ۶۱ موازنه‌ی نظامی در جبهه جنگ با عراق به نفع ایران تغییر پیدا می‌کند. رفتار قدرت‌های بزرگ در ارتباط با این تحول مهم در جبهه‌های جنگ، در چارچوبی از مدیریت بحران، قابل تحلیل و تفسیر است. (ن.ک. اردستانی، ۱۳۷۸: ۱۱۵-۱۲۰). رفتار بازیگران منطقه‌ای نیز در همین چارچوب به علاوه‌ی پاره‌ای انگیزه‌های پان عربی و نیز نگرانی از توسعه‌ی انقلاب اسلامی به کشورهای آن‌ها قابل فهم است.

اتحاد شوروی بعد از عملیات بیت‌المقدس، بلافاصله سیاست صبر و انتظار را به نفع عراق تغییر داد. ایالات متحده و کشورهای عربی، حمایت تسلیحاتی، دیپلماتیک و اقتصادی از عراق را با هدف دفع تهدید از این کشور در دستور کار قرار دادند. در واقع عراق که برای مهار انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم انقلابی حاکم بر آن، به ایران حمله کرده بود، اینک خود در معرض انهدام و فروپاشی قرار داشت.

نتیجه این حمایت‌ها، تقویت بی‌سابقه‌ی ارتش عراق ظرف هفت ماه بعدی، شکست ایران در عملیات رمضان در پایان سال ۶۱ و بازگشت توازن بین دو کشور در جنگ بود. بررسی سیر تحولات جنگ پس از بازپس‌گیری خرمشهر، نشان می‌دهد که هدف ایجاد توازن و به بیان دیگر مشغول نگه داشتن ایران در مرزهای خود با استراتژی‌های مختلف تا سال ۶۶ تعقیب می‌شود. در شرایطی که کنترل بحران به دلیل تشدید جنگ نفتکش‌ها از دست قدرت‌های بزرگ خارج می‌شود، با ورود مستقیم ایالات متحده به جنگ با ایران در خلیج فارس، این منازعه به سمت پایان آن هدایت می‌شود. (ر.ک. نمودار شماره ۳)

فهم رفتارهای متناقض ایالات متحده و اتحاد شوروی نسبت به طرفین اصلی درگیر در جنگ، براساس همین چارچوب امکان پذیر خواهد بود. از جمله ابتکار ایالات متحده برای نزدیکی به ایران و بازگذاشتن مجرای فروش تسلیحات امریکایی به ایران که در مقطع زمانی

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
خرداد ۶۴ (اوج گیری جنگ موشکی علیه شهرها و جنگ نفتکش‌ها) تا بهمن همان سال
(عملیات تصرف فاو توسط ایران) دوران اوج خود را سپری کرد و از بهار سال ۱۳۶۵ با اتخاذ
استراتژی دفاع متحرک عراق و شکست سفر مخفیانه‌ی مک فارلین به تهران وارد دوران افول
خود شد.

_____ نقد و بررسی دکترین ام‌القری محمدجواد لاریجانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی.. ♦
وضعیت توازن قوا بین ایران و عراق در طول جنگ هشت ساله و رفتار قدرت‌های

بزرگ برای مدیریت بحران

توازن به نفع ایران	توازن به نفع عراق	رفتار ایالات متحده	رفتار اتحاد شوروی
	آغاز تهاجم عراق به درون خاک ایران شهریور ۱۳۵۹	بیطرفی	بی طرفی
فتح خرمشهر خرداد ۱۳۶۱		؟	حمایت از عراق
	عملیات رمضان و ورود ایران به خاک عراق تیر ۱۳۶۱	به نفع عراق	به نفع عراق
عملیات خیبر توسط ایران اسفند ۱۳۶۲	؟	؟	؟
	جنگ نفتکش‌ها و حملات موشکی علیه شهرهای ایران (اسفند ۶۳-خرداد ۶۴)	به نفع ایران	؟
عملیات تصرف فاو توسط ایران بهمن ۱۳۶۴	؟	؟	؟
	اجرای استراتژی دفاع متحرک عراق تصرف مهران اردیبهشت ۱۳۶۵ شکست ایران در کربلای ۴ دی ماه ۱۳۶۵	به نفع عراق	؟
حمله ایران در محور شلمچه عملیات کربلای ۵، ۱۹ دی ماه ۱۳۶۵	؟	؟	؟
	تصویب قطعنامه ۵۹۸ حضور نظامی امریکا در خلیج فارس تیر ۱۳۶۶	به نفع عراق	به نفع ایران

(نمودار شماره ۳)

۳- محیط داخلی

با توجه به استراتژی قدرت‌های بزرگ به ویژه ایالات متحده برای استفاده از جنگ به عنوان

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
ابزاری برای کنترل انقلاب ایران در چارچوب مرزهای خود و نیز نتایج اعمال دکترین صدور انقلاب از طریق جنگ - راه قدس از کربلا می‌گذرد- وضعیتی برای ایران به وجود آمد که از آن می‌توان به بن‌بست سیاسی و نظامی تعبیر کرد. به لحاظ نظامی طرح ورود به خاک عراق در منطقه‌ی جنوب‌شرقی این کشور طی چندین عملیات نظامی از جمله عملیات خیبر (اسفند ۶۲) و بدر (اسفند ۶۳) با شکست مواجه شد. ایده‌ی اصلی در این سلسله از عملیات نظامی آن بود که با تسخیر یک نقطه‌ی قابل توجه- مثل بصره- در خاک عراق، توان چانه‌زنی برای پایان شرافتمندانه‌ی جنگ افزایش یابد. (اقتباس از درودیان، ۱۳۸۳: ۱۳۲-۱۴۷)

هاشمی رفسنجانی در همین رابطه می‌گوید: «... باید جایی را بگیریم تا با آن اهرم بر عراق فشار بیاوریم، درست کاری که عراق می‌خواست با ما بکند. در آن صورت می‌توانستیم بگوئیم خسارات ما را بدهند و متجاوز محاکمه شود، یعنی خواسته‌های خود را با جایی و اهرمی که در دست داشتیم به دست بیاوریم.» (مصاحبه با روزنامه کیهان، سه شنبه ۱۳۶۲/۱۱/۱۴) (به نقل از درودیان، ۱۳۹۰: ۲۰۴).

با همین استدلال و به منظور پایان دادن به یک جنگ فرسایشی، ایران انجام چندین عملیات سرنوشت ساز رادر سال ۱۳۶۴ هدف قرار داده بود که به طور طبیعی تامین و تعمیر تجهیزات نظامی برای آن ضروری بود. این وضعیت با تلاش‌های آمریکا برای آزادی گروگان‌های امریکایی در لبنان و استمداد از ایران در آغاز همین سال مصادف شده بود.

۴- مفروضات نظریه

پیش فرض‌های واضع دکترین ام القری، رهیافت او به توضیح و تبیین جهان اجتماعی پیرامون اوست. او در بیان این مفروضات بدون ارائه‌ی هرگونه استدلال، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و در واقع مبانی فلسفی دیدگاه خود را باز می‌تاباند. شناخت این مفروضات در تبیین مفاهیم و گزاره‌های اصلی صاحب نظریه راهگشا خواهد بود.

- رویکرد عینی گرا (رفتارگرا)

از دیدگاه واضع نظریه معرفت به پدیده‌ها از طریق عینی و فارغ از ارزش‌های معرف امکان‌پذیر می‌باشد. او بر این نکته تاکید دارد که «... معرفت عام^۱ [عینی] که فارغ از تاثیر عالم^۲ باشد. بهترین نوع معرفت است.» (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۸)

- رویکرد واقع‌گرا

¹ - Objective
² - Subject

_____ نقد و بررسی دکترین ام‌القری محمدجواد لاریجانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی.. ♦
در جای جای نظریه یا دکترین ام‌القری اشاره به مفروضات رئالیستی به ویژه توجه به کنشگری دولت به عنوان بازیگر اصلی روابط بین‌الملل و کنش عقل‌مدارانه‌ی آن به چشم می‌خورد. هر چند که معتقد است، تقسیم جهان به کشورهای کوچک و بزرگ با مرزهای جغرافیایی و حقوق ملی، هیچ مبنای عقلی یا عادلانه ندارد ولی اذعان می‌دارد که بالاجبار این مرزبندی‌ها را می‌پذیرد (لاریجانی، ۱۳۶۴: ۱۲۰-۱۲۱) در واقع جهت‌گیری دکترین او بر پایه‌ی تقویت واحدی به نام ایران است که به اعتباری شایسته‌ی توجه و اولویت «هستی» و «منافع» آن نسبت به سایر بازیگرانی است که در مجموع «امت اسلامی» را می‌سازند. در واقع لاریجانی زمانی که از منافع ام‌القری صحبت می‌کند، دقیقاً اشاره به منافع یک چارچوب دولت - ملت با تمام ویژگی‌های معمول آن از جمله، حکومت، حاکمیت، سرزمین و جمعیت دارد. اساساً طرح دوگانه‌ی «ام‌القری» در مقابل «امت» تمهیدی از سوی واضع نظریه برای برکشیدن منافع ام‌القری نسبت به منافع امت است و این همان چیزی است که در نظریه‌ی رئالیستی روابط بین‌الملل از آن با عنوان «منافع ملی» یاد می‌شود.

- رویکرد عمل‌گرایانه

لاریجانی مهم‌ترین وظیفه‌ی شرعی ما [آحاد ام‌القری] را تلاش برای استقرار و سپس حفظ حکومت اسلامی می‌داند. (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۱۹). او گرچه این رویکرد را به نظر آیت‌الله [امام] خمینی منتسب می‌داند ولی درباره‌ی حفظ حکومت، هیچ شرطی به جز مشروعیت آن قائل نیست. در اینجا مشروعیت^۱ به مفهوم دینی بودن حکومت مراد است و حکومت دینی از دیدگاه او، مستلزم ولایت فقیه است و بس، در واقع وجود ولی فقیه از دیدگاه لاریجانی در هر سرزمینی [هر کشوری] شرط لازم و کافی برای ام‌القری بودن، مشروع بودن و در نتیجه قرار گرفتن حفظ آن حکومت به عنوان مهم‌ترین وظیفه شرعی آحاد امت اسلامی است.

طبیعی است که هر حکومتی در عرصه‌ی سیاست قدرت برای بقای خود تلاش می‌کند و ربط دادن آن به مفاهیمی همچون ولایت امت و نظایر آن، تلاشی عمل‌گرایانه، برای توجیه تاکید حاکمیت بر حفظ خود است. در واقع اگر پیرایه‌های فقهی دکترین ام‌القری را بزدانیم، هسته‌ی اصلی استدلال او آن است که ایران همانند سایر کشورهای دنیا، در چارچوبی از نظم دولت‌های وستفالیایی قرار دارد و برای بقای خود در نظام آنارشیک بین‌المللی، در تعقیب منافع ملی خود است و حال براساس تعالیم دینی و آموزه‌های آیت‌الله [امام] خمینی، این امر، امری دینی و شرعی است.

او به ظرافت تلاش دارد تا ترکیبی از مفاهیم فقهی و اصطلاحات رایج در ادبیات رئالیستی

¹ - legitamacy

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———

را در توجیه گزاره‌های اصلی دکترین خود به کار برد. از جمله در تأکید بر اولویت ارزش «امنیت» - هم چنان که رئالیست‌ها هم به آن باور دارند- می‌گوید: «... ریشه‌ی امنیت در حفظ اصل یک نظام است. حیثیت مادی نظام در سرزمین جغرافیایی، نژاد، زبان و امثال آن است، لیکن حیثیت معنوی نظام در قانون اساسی و در تفکر حاکم ظهور می‌یابد. تهدید نظام تهدید هر یک از این دو حیثیت است.» (همان: ۴۰). لاریجانی در سخنرانی دیگری پیش از نگارش کتاب مقولاتی در استراتژی ملی، به ظرافت به رویکرد عمل‌گرایانه‌ی خود اشاره می‌کند. آنجا که می‌گوید: «... در تعیین اهداف و طریق نیل بدانها، حتماً به مسائل ایدئولوژیک «نیاز» داریم» (لاریجانی، ۱۳۶۴: ۱۱۸). در واقع او در اینجا از یک نیاز صحبت می‌کند و نه یک تکلیف دینی، چه بسا اگر نیازی در کار نباشد، تمسک به مسائل ایدئولوژیک هم ضرورتی نمی‌یابد.

جنبه‌های عمل‌گرایانه‌ی رویکرد لاریجانی در سایر گفته‌ها و نوشته‌های او به چشم می‌خورد. در جایی می‌گوید: «... [در تأمین اهداف] یک فن طراحی هم هست که در آن انواع حیل‌ها به کار گرفته می‌شود و فن جالبی هم هست و انشاءالله چون در راه مقاصد الهی انجام می‌گیرد، شریف هم هست.» (همان: ۱۱۹) و در جای دیگر در توجیه رفتار ملایم با بعضی دولت‌های «فاسد» می‌گوید: «... درست است که گاهی برای حفظ ام‌القری باید با برخی دولت‌ها علیرغم فسادشان و جورشان، رفتاری ملایم داشت و اینهم برای ولی امر از زهر، تلخ‌تر خواهد بود، اما برای حفظ ام‌القری جام زهر را نیز می‌توان نوشید.» (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۲۱)

- رویکرد اسلام‌گرا:

از دیدگاه لاریجانی دکترین سیاسی [از جمله دکترین ام‌القری] باید در بستر یک عقل دینی قابل اثبات باشد. به باور او اجزای اساسی دکترین ام‌القری در کتاب و سنت سرچشمه دارد. (همان: ۵۸-۵۹)

۵- گزاره‌های اصلی

- جهان اسلام یک «امت» است و ملاک وحدت امت، رهبری آن است.
- کشوری ام‌القرای جهان اسلام می‌شود که دارای رهبری گردد که در حقیقت لایق رهبری کل امت باشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و رهبری امام خمینی، ایران ام‌القرای دارالاسلام شد. (همان: ۴۸) پیروزی و یا شکست ایران، پیروزی و شکست اسلام است. (همان: ۳۹)
- رسالت دینی و مسئولیت اسلامی ما، حفظ «ام‌القری» است. (همان: ۴۰)، حفظ موقعیت ام‌القرای. از اهداف استراتژیک ملی [هم] است. و هدفی حیاتی (استراتژیک ملی) است که نظام حاضر باشد، برای نیل به آن‌ها، تمام امکانات ملت را بکار گیرد. (همان: ۵۱) ... حفظ

- _____ نقد و بررسی دکترین ام‌القری محمدجواد لاریجانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی.. ♦
- ام‌القری بر هر امر دیگری ترجیح می‌یابد حتی در صورت لزوم احکام اولیه را تعطیل می‌نماید. (همان: ۲۰)
- اگر بین مصالح حکومت ام‌القری و ولایت جهان اسلام، تعارض دیده شد. همواره مصالح امت اولویت دارد، مگر هستی ام‌القری [به مخاطره افتد] که حفظ آن بر همه‌ی امت - و نه تنها مردم ام‌القری - واجب است. (همان: ۴۹)
 - در صورت تعارض بین دو هدف «رفع نیازهای جمهوری اسلامی» و «صدور انقلاب»، اولویت با رفع نیازهای جمهوری اسلامی است. (لاریجانی، ۱۳۶۴: ۱۱۶)
 - در نظام اسلامی، تقیید سیاستمدار [ولی] عمل در چارچوب اسلام است. چه همه موافق باشند، چه مخالف. ... وظیفه‌ی افکار عمومی معرفت نسبت به اطاعت امت از امام، انتخاب وی، رفتار با وی، امر به معروف و نهی از منکر، و حفظ مصالح ام‌القری بخصوص در هماهنگی با ولی فقیه است. (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۵۴-۵۵) (همان: ۴۹)
 - در هر جای عالم، حمله‌ای به اسلام صورت گیرد، یا به حقوق مسلمین تجاوز شود، ام‌القری می‌خروشد و به دفاع بر می‌خیزد (همان: ۴۹)

۶- تعریف مفاهیم اصلی

- دکترین: مجموعه‌ای از اصول عملی (قواعد) در فن سیاست است. ملاک درستی دکترین، حقانیت مقصد و مثمر بودن قواعد برای نیل به مقصد است. حقانیت مقصد مربوط به تصویری است که انسان از هستی و از خود دارد [هستی‌شناسی]، مثمر بودن قواعد از طریق روش‌های علمی به دست می‌آید. (اقتباس از همان: ۵۷)
- امت: امت مردمی است که دارای انسجام، جهت و حرکت با هدایت به سوی هدف می‌باشد. جهان اسلام یک امت است.
- ولی: هدایت امت توسط ولی و امام صورت می‌گیرد. امام لایق‌ترین فرد برای رهبری باید باشد و ملاک پیامبر اکرم است. نزدیک‌ترین افراد امت در خصائل و صفات و علم و عمل به پیامبر، خلیفه‌ی او می‌گردد. اما اختصاص به سرزمین یا قوم خاص ندارد. و فقط از میان امت است. (همان: ۴۷-۴۸)
- ام‌القری: کشوری ام‌القرای جهان اسلام می‌شود که دارای رهبری گردد که در حقیقت لایق رهبری کل امت باشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و رهبری امام‌خمینی، ایران ام‌القرای دارالاسلام شد. (همانجا)
- دکترین ام‌القری: دکترین حکومت اسلامی بر مبنای مسئولیت. همان تئوری ام‌القری است. دکترین ام‌القری در نقد تز حکومت عملی اسلام مطرح شده. (همان: ۴۵)

۷- سلسله مراتب هویتی در نظریه

در دکترین (نظریه‌ی) ام‌القری هر سه لایه‌ی هویتی اسلامی، ایرانی و مدرن به ترتیب اولویت حضور دارند، لایه‌ی هویتی اسلام، مهم‌ترین لایه‌ی هویتی دکترین ام‌القری است. اسلام در این دکترین، خصوصیت اصلی نظام سیاسی به شمار می‌رود و براساس مفاهیم اسلامی و فقهی این ویژگی‌ها توضیح داده می‌شود. در توضیح ماهیت اسلامی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، در دکترین ام‌القری اشاره صریحی به ماهیت تمدنی اسلام و نسبت ایران با این تمدن نمی‌شود. موجودیت ایران صرفاً در چارچوب امت و در رابطه‌ی آن دو مطرح می‌شود و داعیه تمدنی ندارد. البته لاریجانی بعدها مسأله‌ی فراهم بودن زمینه‌های ظهور یک تمدن اسلامی را با وقوع انقلاب اسلامی در ایران مطرح کرده و آن را عقلانیت رقیب تمدن غربی بر می‌شمارد (لاریجانی، ۱۳۷۶: ۱۸۳-۱۹۷) ولی به شرح و بسط جایگاه سیاست خارجی ایران در آن نمی‌پردازد.

اشاره‌ی لاریجانی به لایه‌ی هویت ایرانی صرفاً از بعد مادی نظام سیاسی است. در واقع ایران به عنوان یک هویت ملی، واجد سرزمین جغرافیایی، نژاد، زبان و امثال آن نگر بسته می‌شود که بستر ظهور و کشف ولایت فقیه بوده و در ظاهر هیچ ویژگی فرهنگی و تمدنی آن، به هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی منضم نمی‌شود. این اتفاقی است که می‌توانست در کشور دیگری ظهور و بروز یابد، آنگاه ایران صرفاً به عنوان بخشی از امت اسلام، وظیفه‌ی صیانت از ام‌القرای جهان اسلام را بر عهده داشت.

از سوی دیگر با توجه به بستر تحولات تاریخی جهان اسلام، معاصر با حیات انقلاب اسلامی در ایران ملاحظه می‌شود که در عمل، امکان خروج ایران از جایگاه ام‌القرای امت اسلامی، وجود ندارد. ایران تنها کشور شیعی مذهب است که با داعیه‌ی دینی، حکومت تشکیل داده و به حیات سیاسی خود ادامه می‌دهد. در نزدیک‌ترین مدل‌های سیاسی به ایران، از جمله در عراق و لبنان بدلائل متعدد از جمله هویت موزائیکی در این کشورها و حضور اقلیت‌های قومی و مذهبی قوی در ساختار سیاسی آن‌ها تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی، امکان ظهور یک نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه در آنها متصور نیست. ضمن آن که قرائت خاص ولایت فقیه‌ی از شیعه واجد هویتی کاملاً ایرانی است که امکان بسط و توسعه‌ی آن در عمل وجود ندارد. به بیان دیگر این لباسی است که فقط در قواره‌ی ایران جمهوری اسلامی، طراحی و دوخته شده است.

لاریجانی اشاره‌ی صریحی به هویت مدرن و تمایلی برای لحاظ آن در سلسله مراتب هویتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز از خود نشان نمی‌دهد. اما به صورت مشخصی الزامات زندگی در دنیای مدرن را می‌فهمد و می‌پذیرد. او در توضیح روابط بین ایران به عنوان ام‌القرای

_____ نقد و بررسی دکترین ام‌القری محمدجواد لاریجانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی.. ♦
جهان اسلام یا مهد تمدن اسلامی، با نظام بین‌المللی، کاملاً در یک چارچوب متعارف همان کنش‌هایی را صورت می‌دهد که به باور واقع‌گرایان، از هر دولت دیگری انتظار می‌رود. رفتار متناسب با قدرت در جهت تأمین منافع ملی و با پذیرش الزامات ناشی از الگوی دولت - ملت و نیز ویژگی‌هایی که جهان حین و پس از نظام دوقطبی با آن مواجه است.

۸- قابلیت‌های نظریه

به لحاظ «ظرفیت‌سازی»، ورودی مفهوم «ام‌القری» به نظریه‌ی اسلامی سیاست خارجی ایران پس از انقلاب، توانست جایگاهی برای گنجاندن مفهوم «منافع ملی» و «امنیت ملی» در ادبیات نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی فراهم کند. اهمیت این گشایش به ویژه آن جا مشخص می‌شود که جمهوری اسلامی در مواجهه با آثار مادی ناشی از بحران گروگان‌گیری و درگیری در جنگ با عراق ناگزیر از عقب نشینی از مواضع نظریه‌ی صدور انقلاب اسلامی برآمد و چون نمی‌توانست از ویژگی اسلامی و انقلابی خود عدول کند. بنابراین به نحوی می‌باید تغییر منظر و تغییر رفتار سیاست خارجی در همین چارچوب توجیه پذیر شود.

از حیث «سازواری و انطباق‌گرایی»، دکترین حفظ ام‌القری، به هنجارمند شدن^۱ رفتارهای جمهوری اسلامی در سطح محیط منطقه‌ای و بین‌المللی کمک نمود. اگر تا پیش از این رابطه و مذاکره با ایالات متحده حکم رابطه با شیطان بزرگ را داشت، اکنون این امکان فراهم شده بود که برای تأمین منافع ملی حتی با شیطان در قعر جهنم نیز مذاکره نمود. اگر پایان جنگ فقط با پیروزی متصور بود، اینک این امکان فراهم شده بود تا کسب یک موقعیت «بسنده جویانه» در جنگ، شرایط لازم را برای پایان آن فراهم آورد. و این نه تنها مشروع بلکه مطلوب بود. بر همین اساس کاربرد دکترین حفظ ام‌القری در سیاست خارجی، گرچه اعتبار ایران را در میان جریان رادیکالیسم عربی دچار خدشه کرد ولی ظرفیت لازم را برای نرمال‌سازی روابط ایران با قدرت‌های بزرگ فراهم آورد. تغییر جهت‌های بزرگ ایالات متحده و اتحاد شوروی نسبت به وضعیت جنگی ایران و عراق و درگیر شدن منافع این قدرت‌ها تا حدودی ناشی از ورود ایران به یک بازی استراتژیک در سطح منطقه و فراتر از مواجهه با دولت بعثی در عراق ارزیابی می‌شود. امری که در چارچوب حفظ ام‌القری و منافع آن، امری متعارف و قابل توجیه است.

۹- دکترین ام‌القری و تفسیر کنش سیاست خارجی

برای تشخیص میزان کارایی دکترین ام‌القری در تفسیر کنش‌های سیاست خارجی ایران، رویداد

^۱. Normalization

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
«ایران-کنترا» به عنوان بازتاب عملی این دکترین در عرصه‌ی سیاست خارجی در نظر گرفته شده است. این رویداد به ابتکار تأمین سلاح مورد نیاز ایران توسط ایالات متحده در برابر کمک به آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان اطلاق می‌شود.

چنان که در بخش سوم گفته شد، سال ۱۳۶۴ برای ایرانی‌ها، سال تعیین سرنوشت جنگ و خروج از بن بست سیاسی و نظامی برای پایان آن بود. این وضعیت با تلاش‌های امریکا برای آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان از طریق مذاکره با طرف‌های درگیر در این کشور در آغاز همین سال، مصادف شده بود. سال ۶۴، سال برگزاری انتخابات کنگره در ایالات متحده هم به شمار می‌رفت و رهایی گروگان‌ها می‌توانست پرستیژ دولت جمهوریخواه را نزد افکار عمومی این کشور احیاء کند.

رویداد ایران کنترا ضلع سوم هم داشت و آن تمایل دولتمردان امریکایی به ویژه آژانس امنیت ملی این کشور برای تأمین مالی مخفیانه‌ی ضد انقلابیون نیکاراگوئه موسوم به کنتراها بود. حکومت چپ‌گرای ساندینیست‌ها در نیکاراگوئه پس از سرنگونی سوموزا، دیکتاتور این کشور، تقریباً همزمان با پیروزی انقلاب در ایران روی کار آمده بود و اتفاقاً بین دو کشور انقلابی روابط خوبی نیز برقرار بود. طرفه آن که پول حاصل از فروش سلاح‌ها و قطعات یدکی آن‌ها که توسط ایالات متحده برای ایران تأمین می‌شد، قرار بود تا به ضد انقلابیون نیکاراگوئه (کنتراها) داده شود، تا بتوانند علیه دولت ساندینیست اقدام کنند؛ چرا که براساس قوانین داخلی امریکا، اختصاص بودجه برای اینگونه حمایت‌ها منع شده بود و جالب تر اینکه بخشی از سلاح‌ها قرار بود تا از طریق انبارهای اسلحه اسرائیل تأمین شود. بنابراین طرح تأمین سلاح مورد نیاز ایران در برابر کمک به آزادی گروگان‌های امریکایی زمینه‌ی نزدیکی دو کشور را فراهم آورد. در واقع معامله‌ای بین دو کشور انجام شد که واسطه‌های آن دلالتان بازار سیاه اسلحه بودند. اما سوال اصلی این است که چرا ایران در این مقطع به این ابتکار تن داد و چگونه برقراری ارتباط با ایالات متحده را توجیه پذیر نمود.

یادآوری این نکته ضروری است که پس از رفع تهدید راهبردی ناشی از مساله گروگان‌گیری ماهیت روابط دو جانبه‌ی ایران و امریکا از «رقابت» به سمت «دشمنی» سوق پیدا کرد. عدم حسن نیت ایالات متحده دعاوی بین دو کشور، تداوم سیاست تحریم و تداوم حمایت‌های ایالات متحده از رژیم عراق- به زعم ایران- و شکل دادن به یک ائتلاف ضد ایرانی در سطح منطقه و نیز سازمان‌های بین‌المللی، شواهد کافی را برای سران رژیم انقلابی در ایران فراهم می‌کرد که به دشمنی ایالات متحده با خود باور داشته باشند.

از سوی دیگر تداوم بی‌نظمی در مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس، اصرار ایران به ادامه‌ی جنگ با عراق و احتمال سرنگونی یا شکست صدام در مقابل ایران و حاکمیت‌الگوی سیاسی

_____ نقد و بررسی دکترین ام‌القری محمدجواد لاریجانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی.. ♦
ایران در این کشور و سایر کشورهای مجاور و توسعه‌ی نفوذ ایران در لبنان و ایجاد اختلال در روند مذاکرات صلح اعراب- اسرائیل، همگی نشانه‌های آشکاری برای شکل‌گیری یک «دشمن» برای ایالات متحده در خلال سال‌های پس از حل و فصل بحران گروگان‌گیری بود. این آثار مادی به نوبه‌ی خود، ساختارهای ذهنی دو طرف را به سمت قرار گرفتن در یک رابطه‌ی خصومت‌آمیز تحریک می‌کرد. ذهنیت غالب در اندیشه‌ی طرف ایرانی، امریکا را عامل اصلی توطئه علیه ایران انقلابی می‌دانست که هر لحظه به دنبال سرنگونی آن است و در طرف امریکایی نیز این ذهنیت مرتباً تقویت می‌شود که ایران انقلابی عامل تحقیر ایالات متحده است. پیروزی انقلاب، گروگان‌گرفتن دیپلمات‌های امریکایی در تهران، شکست طرح نظامی نجات گروگان‌ها، و در فاصله‌ی نزدیک‌تر، گروگان‌گرفتن امریکایی‌ها در لبنان همگی نشانه‌ی استیصال و شکست غرور امریکایی نزد ایشان تلقی می‌شد.

در چارچوب یک تحلیل بر سازه‌ی سیاست خارجی، به این وضعیت و آثار مادی و ذهنی آن صرفاً از سوی ایران می‌پردازیم تا به این وسیله به علل تکوینی تحول دکترین سیاست خارجی ایران از صدور انقلاب به حفظ ام‌القری پی ببریم.

چنان که پیش‌تر اشاره شد. ساختار دشمنی به عنوان یک «ساختار بیناذهنی» بین دو طرف ایران و آمریکا در فاصله‌ی سال‌های پس از صدور بیانیه‌ی الجزایر تا اوج‌گیری تلاش‌های ایران برای ختم پیروزمندانه‌ی جنگ در خلال سال‌های ۶۰ تا ۶۴ از طریق یک عملیات نظامی سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده برقرار بود، و باز چنانکه گفته شد، این ساختارها شماری «ارادی» و نتیجه‌ی برآورد ذهنی هریک از دو طرف، نسبت به طرف دیگر در خلال سال‌های پس از پیروزی انقلاب در ایران بود. پاره‌ای از این ساختارها هم تصادفی بودند. سفر شاه به امریکا برای درمان بیماری سرطان خود در اوج شعارهای رادیکال انقلابی در ایران؛ و علیرغم تمایل ایالات متحده نمونه‌ای از بروز این نوع ساختارها قلمداد می‌شود.

وجود چنین ساختاری، آثار مادی متنوعی را برای ایران به همراه آورد. جنگ رمق اقتصاد ایران را کشیده بود. تحریم مانع از تأمین نیازهای اقتصادی به ویژه تسلیحاتی ایران بود. دکترین جنگ متکی بر امواج انسانی به دلیل تلفات گسترده و تجربه‌ی دفاعی عراقی‌ها ناکارآمد شده بود و تأمین اسلحه و قطعات یدکی مورد استفاده که عموماً امریکایی بودند. برای این کشور میسر نبود.

به لحاظ عینی تداوم جنگ فرسایشی مقدور نبود، حداقل آن که اهداف جمهوری اسلامی را برای سرنگونی رژیم صدام، صدور انقلاب و یا خروج پیروزمندانه از جنگ تأمین نمی‌کرد. توازن سیاسی و دیپلماتیک نیز چه در سطح منطقه و چه در سطح بین‌المللی به نفع ایران نبود. لذا خروج آبرومندانه از جنگ با کسب یک پیروزی نظامی عمده و تصرف یک نقطه‌ی استراتژیک

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
عراق برای گرفتن دست بالا در مذاکرات صلح به عنوان استراتژی نظامی و سیاسی ایران
انتخاب شد.

آنچه که باعث تغییر استراتژی سیاسی و نظامی ایران شده بود در واقع تشدید تهدیدات
علیهی هسته‌ی مادی نظام سیاسی یعنی کشور بود، ساختارهای انسانی، اقتصادی و استراتژیک
ایران به عنوان یک کشور متعارف در معرض تهدید بود. و تداوم اصرار بر شعارهای
جهان‌گرایانه‌ی انقلابی و اسلامی نمی‌توانست ظرفیت لازم را برای خروج از این بن بست
سیاسی و نظامی فراهم آورد.

دقیقاً در همین ایام است که توسل به نمادها و سمبل‌های ملی و میهنی در جبهه‌ها خود را
نشان می‌دهد و مقارن با همین ایام است که ایران به ابتکار نزدیکی به امریکا که از سوی
دلالتان بین‌المللی اسلحه مطرح شده بود، پاسخ مثبت می‌دهد.

بنابراین تهدید شدید ناشی از بروز ساختارهای دشمنی، به ویژه لایه‌ی هویتی ایران را در
معرض خود قرار داده بود، لذا این لایه‌ی هویتی نسبت به دو لایه‌ی «اسلام» و «مدرنیت»
برکشیده می‌شود.

حرکت ایران به سمت تعامل با امریکا در این مقطع در واقع تلاشی برای ساخت هویت
جمعی عام‌گرایی و تطبیق با هنجارهای حاکم بر نظام بین‌المللی به نظر می‌رسد.
نکته‌ی مهم در اینجا آن است که آیا این نزدیکی ناشی از نیازهای فوری ایران - تأمین
اسلحه برای ختم جنگ - و در واقع اقدامی تاکتیکی بوده و یا مبتنی بر رویکردی استراتژیک رخ
داده است؟

افشای ماجرای سفر مک فارلین به ایران و تشدید تضادها بین دو کشور پس از آن فرضیه‌ی
تاکتیکی بودن این رویکرد را از سوی ایران تقویت می‌کند که اگر چنین باشد قاعدتاً نمی‌توان از
تغییر سلسله مراتب هویتی سخن گفت اما در مقابل روایت فوق، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد
که نزدیکی دو کشور را فراتر از مسایل تاکتیکی و در زمره‌ی نیازهای استراتژیک دو طرف
ارزیابی می‌کند. محسن هاشمی در کتاب ماجرای مک فارلین، علیرغم دفاع از فرضیه‌ی تاکتیکی
بودن نزدیکی ایران و ایالات متحده به وجود کانال‌های ارتباطی حتی پس از انجام ماموریت
مک فارلین اشاره می‌کند و می‌گوید: «... در مورد کانال دوم که شورای امنیت ملی امریکا،
مستقیم و خارج از روابط دلالتان اسلحه وارد موضوع شده بود، در صورتی که بهتر مدیریت می
شد، شاید می‌توانست منافع دراز مدت ایران در جنگ و منطقه را فراهم نماید (هاشمی و
حمیدی، ۱۳۸۸: ۳۵) منظور هاشمی از مدیریت بهتر در واقع کنترل آثار ناشی از بروز رویدادهای
تصادفی در روابط دو کشور در این مقطع، از جمله فروش اسلحه‌ی گران قیمت و معیوب به
ایران توسط دلالتان اسلحه، باز شدن پای اسرائیل به ماجرای مک فارلین و نیز مسائل حاکم بر

_____ نقد و بررسی دکترین ام‌القری محمدجواد لاریجانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی.. ♦
روابط دو جانبه‌ی ایران و آمریکا پس از حادثه‌ی گروگان‌گیری از جمله مسأله فلسطین، حضور نظامی ایالات متحده در لبنان و خلیج فارس و کمک‌های این کشور به عراق در جریان جنگ با ایران بود. (ر.ک. همان: نتیجه‌گیری ص ص ۱۷۹-۱۸۱) شواهدی چند درباره ماهیت راهبردی نزدیکی دو کشور به هم وجود دارد. از جمله از سوی آمریکا، نگرانی این کشور درباره‌ی نزدیکی عراق با اتحاد شوروی و اغتنام فرصت ناشی از نیاز ایران به اسلحه برای جلب همکاری ایران در منطقه و بازگشت این کشور انقلابی به شرایطی مشابه با قبل از وقوع انقلاب اسلامی و از سوی ایران ظهور یک جریان میانه روی مایل به ایجاد روابط با جامعه جهانی که خود ناشی از فشار سیاسی و نظامی وارد شده به ایران در این مقطع و در نتیجه، پولاریزه شدن نیروهای سیاسی درون حاکمیت به وجود آمده، بود.

حتی اگر نیت دو طرف درگیر در این موقعیت را بهره‌برداری تاکتیکی از شرایط به وجود آمده ارزیابی کنیم، باز هم ایده‌ی نزدیکی، ارتباط، مذاکره و امکان استفاده از طرف مقابل برای حل مشکلات، تصمیمی خطیر به ویژه از سوی ایران ارزیابی می‌شود، چرا که جهت‌گیری شعارها و اقدامات حاکمیت سیاسی در ایران، امکان هر گونه ارتباط با ایالات متحده را غیرقابل باور می‌کرد.

تنها نکته‌ی باقیمانده آن است که چگونه می‌توان این چرخش عمده را در سیاست خارجی و امنیتی ایران باور پذیر کرد. طرح مباحث منتهی به ارایه‌ی دکترین ام‌القری در واقع چنین وظیفه‌ای را برعهده دارد.

شکل‌گیری دکترین ام‌القری در عرصه‌ی نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز در همین سال‌های مورد بحث و مقارن با اوج‌گیری حملات موشکی علیه شهرهای ایران و بروز بن‌بست عملیاتی در جبهه‌های جنگ، از جمله شکست نظامی ایران در عملیات بدر (اسفند ۶۳) صورت می‌گیرد و از این حیث زمینه نظری برای تغییر جهت سیاست خارجی ایران و شکل‌گیری هویت جدیدی برای آن فراهم می‌آورد که بتواند عدول از شعارهای آغاز جنگ را توجیه کرده و بستر ذهنی کاهش برخوردهای ایران با نظام بین‌المللی را فراهم کند.

لاریجانی با ارائه‌ی مجموعه‌ای از احکام و گزاره‌های چارچوب مند در این مقطع تلاش کرده تا پیگیری مفهوم «منافع ملی» و «امنیت ملی» را با استفاده از آرایه‌های دینی و عقیدتی مشروع جلوه دهد. تأکید او بر «کشور بودن» ام‌القری و دینی، اسلامی و استراتژیک بودن حفظ این کشور به عنوان اولویت اول، حتی به قیمت تعطیلی احکام اولیه اسلام، نشانه‌ی بارزی از این تلاش است. (رجوع کنید به قسمت ۵ همین مقاله). او در مقایسه بین اهمیت و اولویت هستی ام‌القری و مصالح امت اسلامی نه تنها هستی ام‌القری را مقدم می‌شمارد بلکه امت اسلامی را مقید به حفظ آن می‌کند و در مقام مقایسه بین اولویت رفع نیازهای مادی و صدور انقلاب، اولویت را

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
به رفع نیازهای جمهوری اسلامی می‌دهد. لذا آنچه در پس این توجیهات فقهی و ایدئولوژیک به واقع باقی می‌ماند، ایران به عنوان یک کشور است که می‌تواند و باید برای رفع حوائج خود در شرایطی که هستی‌اش به مخاطره افتاد است به هر اقدامی - از جمله مذاکره و معامله با امریکا - دست یازد. این درواقع به معنای اولویت منافع ملی و همان چیزی است که رئالیست‌های کلاسیک هم سخت بدان پای‌بندند.

به طور خلاصه، ساختار بندی دکترین ام‌القری در توجیه دست برداشتن ایران از آرمان - صدور انقلاب از طریق جنگ - راه قدس از کربلا می‌گذرد - و گرایش به حفظ بقا و تمامیت ارضی کشور یاری می‌رساند. این دکترین راه یک کنش متکی بر منطق قدرت سخت را از طریق موجه‌سازی خروج از بحران با کسب دستاوردهای قابل قبول (راه حل بسنده جویانه) برای پایان دادن به جنگ می‌گشاید و امکان تعامل با نظام بین‌الملل، ورود به بازی‌های راهبردی در منطقه و نیز ارتباط محرمانه با ایالات متحده را فراهم می‌کند.

۱۰- وضعیت نظریه در ارتباط با تحلیل باز خوردها و آثار مادی کنش

دکترین ام‌القری می‌تواند در موجه‌سازی اقدام ایران برای نزدیکی به ایالات متحده کارآمد باشد، چنانکه می‌تواند تصمیم به قبول قطعنامه ۵۹۸ (پذیرش پایان جنگ) باز کردن دروازه‌های ایران به سوی سرمایه‌ها و فناوری غرب در دوران هاشمی رفسنجانی، و حتی ورود به مذاکرات هسته‌ای و توافق برجام را توجیه‌پذیر کند. می‌تواند سکوت جمهوری اسلامی در قبال سرکوب چین‌ها به وسیله روسیه و یا حتی بی‌تفاوتی ایران را نسبت به سرکوب سیستماتیک مسلمانان اوغور توسط چین را قابل قبول نشان دهد، ولی در مورد شمار دیگری از تحولات عرصه‌ی سیاست خارجی ایران ناکارآمد و نامناسب است.

از جمله نمی‌تواند تحلیل موجهی درباره‌ی مواجهه‌ی دیپلماتیک و پرهزینه‌ی ایران با غرب برسر حکم تاریخی آیت الله [امام] خمینی درباره قتل سلمان رشدی ارائه دهد. و یا نمی‌تواند عملکرد سیاست خارجی ایران را در دوران فترت بین مذاکرات اول (حسن روحانی با اروپایی‌ها در دوره‌ی خاتمی) و دوم (ظریف با ۵+۱ در دوران ریاست جمهوری روحانی) توجیه کند. سایش شدید منافع منطقه‌ای ایران و عربستان را در دوران برآمدن داعش نمی‌تواند توضیح دهد و

.....

این نکته که دکترین‌ها برای دوره‌های زمانی و مکانی خاصی تدوین و به مورد اجرا گذاشته می‌شوند قابل قبول است اما در مورد خاص دکترین ام‌القرای، اولاً این دکترین مقدم بر اقدامات سیاست خارجی ایران نبوده، ثانیاً پس از اعلام آن نیز، اقدامات سیاست خارجی تماماً منطبق بر آن نبوده است. چنین به نظر می‌رسد که دکترین‌ها و ایده پردازی‌ها در سیاست خارجی جمهوری

_____ نقد و بررسی دکترین ام‌القری محمدجواد لاریجانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی.. ♦
اسلامی اولاً پیش از آن جنبه‌ی پیشینی و راهنما داشته باشند، پسینی و توجیه کننده‌اند (تئوری پس از عمل و در توجیه عمل می‌آید) ثانیاً دکترین‌ها و ایده‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تاریخ انقضا ندارند، بلکه شانه به شانه‌ی هم در طول حیات جمهوری اسلامی پیش می‌روند به علاوه نمی‌توان به هیچ روی، یک دوره‌ی تاریخی سیاست خارجی این دوران را براساس یک دکترین توضیح داد، بلکه استفاده از مبانی تحلیلی متفاوتی برای توضیح چرخش‌های سیاست خارجی ایران در هر مقطع مورد نیاز است.

نتیجه‌گیری

درباره‌ی چگونگی تکوین هویت سیاست خارجی ایران، آن چنان که دکترین ام‌القری آن را باز می‌نمایند، به طور عمده بر تحلیل‌های سطح ساختار به ویژه ساختارهای سطح خرد (یا ساختارهای تعامل) تاکید گردید. شکل‌گیری این ساختارها در روابط دو جانبه‌ی ایران و ایالات متحده پاره‌ای تصادفی (تقارن مشکلات ایالات متحده در لبنان و مسأله‌ی گروهگان‌ها با مسائل ایران در جنگ با عراق) و پاره‌ای ارادی بوده‌اند (نظیر خواست ایران برای سرنگونی رژیم صدام حسین در عراق و صدور انقلاب اسلامی به این کشور یا خواست ایالات متحده برای کنترل ایران در درون مرزهایش). ساختارهای تعاملی همچنین به ذهنیت شکل گرفته‌ی هر یک از بازیگران از طرف دیگر از مبدأ تاریخی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به بعد وابسته است. ذهنیت هر یک از بازیگران خود ناشی از آثار مادی کنش‌های هر یک از آن دو نسبت به دیگری در خلال این سالها بوده است. به خطر انداختن منافع امنیتی ایالات متحده در منطقه به وسیله‌ی ایران و حمایت‌های دیپلماتیک و لجستیکی ایالات متحده از عراق پس از آغاز جنگ این کشور با ایران، از جمله‌ی آثار مادی و ملموس کنش‌های هر یک از بازیگران است.

به علاوه نقش ساختارهای بنیاد ذهنی نیز در شکل‌گیری هویت و منافع بازیگران در خلال سالهای میانی جنگ ایران و عراق بسیار تعیین کننده است. مشترک ذهنی دو طرف از ابتدای انقلاب به رشد و شکل‌گیری هویتی برای ایران و امریکا نزد مقامات دو طرف انجامید که نتیجه‌ی آن بازنمایی دیگری به عنوان دشمن بود. اما در میانه‌ی جنگ فرصتی فراهم شد تا طرفین امکان همکاری هر چند محدود با یکدیگر را مد نظر قرار دهند. در این مقطع هویت هر یک از بازیگران از دشمنی به سمت رقابت میل پیدا کرد. شکل‌گیری چنین هویتی از طرف مقابل نزد ایران، امکان گفتگوی محرمانه بین دو طرف را علیرغم تمام شعارهای ضد امریکایی فراهم آورد.

منافع ایران مبتنی بر شکل‌گیری هویت جدید بر یک پیروزی در طول مرزهایش با عراق و سپس خروج سرافرازانه از وضعیت جنگی قرار گرفت. هویت و منافع به عنوان اجزای دوگانه‌ی

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
خصوصیات بازیگر یکدیگر را برسازی کرده یا تکوین دادند. این خصوصیات الزاماً رفتارهای سیاست خارجی ایران را نیز تحت تاثیر قرار می‌داد و از سوی دیگر هر اندازه رفتارهای سیاست خارجی به سمت ملاحظات استراتژیک (و نه ایدئولوژیک) سوق پیدا می‌کردند، هویت ایران به عنوان بازیگر هم تحت تاثیر این رفتارها، به صورت رقابت (یا همکاری بالقوه) تکوین پیدا می‌کرد.

در تغییر هویت به عمل آمده شاهد جابجایی در سلسله مراتب هویتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی هستیم. این جابجایی ناشی از تهدید علیه هسته‌ی سخت بازیگر (ایران) بود. تغییر موازنه نظامی در جنگ عملاً موجودیت کشور و نظام سیاسی را به مخاطره انداخته بود. لذا نگرش دوباره به تلاش‌های نظری دکتر لاریجانی در طرح دکترین ام‌القری نشان می‌دهد که چگونه ایران به عنوان یک سرزمین واجد جمعیت و حکومت و حاکمیت در اولویت امنیت ملی قرار می‌گیرد (برخلاف آنچه در نظریه صدور انقلاب متصور بود) با توضیحاتی که در بخش نهم ارائه شد مشخص می‌شود که توجه به ایران و منافع ملی و قدرت ملی آن، مهم‌ترین خروجی‌های دکترین ام‌القری برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی است.

نکته پایانی در این قسمت توجه به ماهیت برسانانه‌ی رابطه بین کنش سیاست خارجی و دکترین ام‌القری به عنوان نظریه سیاست خارجی است. این رابطه‌ی تعاملی چنان است که از یکسو کنش سیاست خارجی نظریه را شکل می‌دهد و از سوی مقابل نظریه (دکترین) کنش سیاست خارجی، را توجیه می‌کند. اغلب تئوری‌های خلق‌الساعه در ساحت سیاست خارجی ج.ا.ا. واجد چنین خصوصیتی هستند، لذا این تئوریه‌ها فاقد توان پیش‌بینی کننده برای رفتارهای آتی دولت در عرصه‌ی سیاست خارجی هستند. شاید تکثر و همزیستی نظریه‌های (یا گفتمان‌ها) سیاست خارجی در طول زمان ناشی از همین ویژگی باشد.

_____ نقد و بررسی دکترین ام‌القری محمدجواد لاریجانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی.. ♦

منابع فارسی:

- ادیب‌زاده، مجید (۱۳۸۷). **زبان، گفتمان و سیاست خارجی**، تهران، اختران.
- اردستانی، حسین (۱۳۸۷). **رویارویی استراتژی‌ها**، تهران، دوره‌ی عالی جنگ سپاه پاسداران.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، قومس.
- ایزدی، بیژن (۱۳۷۱). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۷۵). **اصول سیاست خارجی (ج. ۱.۱.۱)**، تهران، آوای نور.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). **سیاست خارجی، عرصه فقدان تصمیم و تدبیر**، تهران، فرهنگ لقمان.
- درویدیان، محمد (۱۳۸۳). **علل تداوم جنگ**، چ ۲، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ، (۱۳۹۰). **گزینه‌های راهبردی جنگ**، چ ۳، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۴). **تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران روزنامه ایران.
- رضانی، روح‌الله (۱۳۸۰). **چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، نی.
- کوبالکوا، وندولکا (۱۳۹۲). **سیاست خارجی در جهان برساخته**، مهدی میر محمدی و علیرضا خسروی (مترجمان)، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹). **مقولاتی در استراتژی ملی**، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- ، (۱۳۷۱). **نظم بازی گونه: بحثی در تحولات جهانی معاصر**، تهران، اطلاعات.
- ، (۱۳۷۳). **حکومت: مباحثی در مشروعیت و کارآمدی**، تهران، سروش.
- ، (۱۳۷۶). **نقد دینداری و مدرنیسم (مجموعه مقالات)**، چاپ دوم، تهران، اطلاعات.
- ، (۱۳۷۶). **مذاکره در لندن (مجموعه‌ای از اسناد) تهران**، جاده ابریشم.
- ، (۱۳۷۷). **درس‌های سیاست خارجی**، تهران مشکوه.
- مارش، دیوید، و استوکر، جری (۱۳۸۸). **روش و نظریه در علوم سیاسی**، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، چاپ پنجم، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- متقی، ابراهیم و پوستین چی، زهره (۱۳۹۰). **الگو و روند در سیاست خارجی ایران**، قم، دانشگاه مفید.
- منصوری، جواد (۱۳۶۵). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، امیرکبیر.
- ولایتی، علی‌اکبر؛ منصوری، جواد (۱۳۶۴). **مقولاتی در سیاست خارجی**، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴). **نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل**، حمیرا مشیرزاده (مترجم) تهران،

— ◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹
دفتر مطالعات. سیاسی و بین‌المللی.
-هاشمی، محسن و احمدی، حبیب‌الله (۱۳۸۸). **ماجرای مک فارلین: فروش سلاح آزادی
گروگان‌ها**، چاپ دوم تهران، دفتر نشر معارف انقلاب.

- Diamond, Harrison smith. **Reinterpreting Nuclear consequences: Realism, Constructivism and the Iranian Crisis.**
- Laclau, E. (1990). **New reflection on the Revolution of ourtime**, London, Verso.
- Townsend, Amy Rose. **How us foreign policy affects Iran's Identity: Implications for the Nuclear issue.**
- Zehfuss, Maya. (2002). **Constructivism in international Relations**, Cambrige, university press.